

مساله آب و روابط کشورهای آسیای مرکزی

الهه کولایی*^۱

محمد جواد سلطانی^۲



فصلنامه علمی پژوهشی
سیاست جهانی،
دوره دوم، شماره سوم،
پاییز ۱۳۹۲

چکیده

موضوع آب در آسیای مرکزی که سیاست‌های توسعه اقتصادی شوروی سابق آن را برجسته‌تر کرده است، در کنار دیگر چالش‌های میان کشورهای آسیای مرکزی مطرح است. ناتوانی کشورهای آسیای مرکزی در حل این مشکل، زمینه را برای دخالت کشورهای دیگر فراهم کرده است. وابستگی پنج جمهوری به منبعی واحد در توسعه اقتصادی، حل مسئله را دشوارتر کرده است. مساله، مرز آبی و کنترل بر آن نیست که با قراردادی دو جانبه بر طرف شود، بلکه وابستگی به منبعی است که مدیریت یک کشور بر آن و استفاده یک جانبه، برای دیگر کشورها ناامنی پدید می‌آورد. در این ناحیه تنش-های آبی بیشتر در مورد منابع آبی رودخانه‌ای است. با این وضعیت عامل آب چه تاثیری بر روابط کشورهای آسیای مرکزی دارد؟ این مقاله با استفاده از روش تبیینی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای نشان داده است که منابع آبی و رقابت کشورهای آسیای مرکزی برای دسترسی و بهره‌برداری بیشتر سبب تنش در روابط این کشورها شده است.

واژه‌های کلیدی: آسیای مرکزی، انرژی، آب، امنیت، روابط خارجی.

۱. استاد گروه مطالعات منطقه ای دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

* نویسنده مسؤول، ایمیل: Ekolae@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۳/۵

فصلنامه سیاست جهانی، دوره دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲، صص ۳۴-۷

مقدمه

منابع طبیعی همواره برای زندگی انسان، نیروی محرکی برای توسعه بوده است، به گونه ای که اهمیت آن هم ژئواکونومی^۱ و هم ژئوپلیتیک^۲ یک منطقه را تحت تاثیر قرار می دهد. تنش بر سر منابع، دولت ها را به تقابل با یکدیگر وامی دارد. وجود منابع آبی از پایه های مهم تمدن است. یکی از ویژگی های منابع طبیعی آن است که تمام شدن یا محدود هستند. در حالی که منابع دیگر در یک دوره طولانی قابل تجدید هستند که از طول عمر یک انسان فراتر می رود. منابع گروه نخست می تواند قرن ها وجود داشته باشد. تاریخ سیاسی مدرن به وسیله تمایل کشورها و ملت هایی مشخص می شود که برای دسترسی به این منابع تصمیم گرفتند. امکان ادامه حیات انسان بدون دو منبع جهانی طبیعی آب و هوا ناممکن است، به گونه ای که آب منبع یکی از مهم ترین بحران های آینده جهان است. وابستگی به منابع آبی ویژگی آشکار آسیای مرکزی در طول تاریخ بوده که در دوره سلطه شوروی ها چندبرابر شد (Glantz, 2005: 13). به گونه ای که پس از فروپاشی اتحاد شوروی که ویژگی فرامرزی به منابع آبی این ناحیه داد، این مساله به یک چالش امنیتی در روابط جمهوری های تازه استقلال یافته تبدیل شد.

اسماعیل سراج الدین معاون ارشد رییس بانک جهانی در سال ۱۹۹۵ اعلام کرد که در قرن آینده، جنگ بر سر آب است. آسیای مرکزی با اختلاف های آبی بین جمهوری های آن، یکی از کانون های تنش است. افزایش تقاضا برای آب با رشد ملی گرایی و رقابت میان جمهوری های آسیای مرکزی همراه شده که در نتیجه مانع دستیابی به یک راهکار منطقه ای برای جایگزینی سیستم مدیریت آب از نوع اتحاد شوروی شده است. آب در آسیای مرکزی تبدیل به تهدید امنیتی جدی شده که سیاست های شوروی را می توان از عوامل تشدید آن دانست. این تهدید با تبدیل مرزهای اداری به ملی بروز کرد و اختلاف های آبی در مورد کنترل، دسترسی و استفاده سیاسی پدید آمد. تهدید تنش های آبی در دوره اتحاد شوروی آشکار نبود. ظهور ملی گرایی و استقلال این تهدید را مشخص کرد. کنترل منابع آبی کابوس تشدید رقابت و امنیتی کردن این موضوع را در کشورهای آسیای مرکزی ایجاد کرده است، زیرا منابع آبی دغدغه های امنیت ملی، فرصت های اقتصادی و نیز حفظ محیط زیست را شامل می شود. برای رفع این تهدید اقدام هایی در سطح جمهوری ها، بدون توجه به جنبه بین المللی آنها صورت گرفته است، زیرا منافع ملی بر منافع منطقه ترجیح داده می شود.



مساله آب و روابط
کشورهای آسیای
مرکزی

1. Geo economy
2. Geopolitics

پیشینه تحقیق

در مورد موضوع آب در آسیای مرکزی کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری به زبان‌های خارجی نوشته شده است، ولی آثار فارسی محدودی در این مورد وجود دارد که به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم. آلیسون و جانسون در کتاب امنیت در آسیای مرکزی: چارچوب نوین بین‌المللی به موضوع آب در آسیای مرکزی: همکاری منطقه‌ای یا مناقشه، پرداخته‌اند. آنان نیازهای آبی درون کشوری را مورد توجه قرار می‌دهند. مشکلات توزیع آب به سبب اهمیت اقتصادی آب رودخانه‌ها اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در تاجیکستان امکان استفاده از رودخانه سیردریا به عنوان یک اسلحه تهاجمی در هرگونه اختلاف مرزی با ازبکستان بررسی شده است. این کتاب به نقش و تاثیر بازیگران خارجی بر مدیریت بحران آب در آسیای مرکزی نیز توجه دارد. با این حال آنچه آلیسون مطرح کرده جنبه کلی مسئله است و به این موضوع نمی‌پردازد که اختلاف‌ها بر سر چه مواردی است. مونا گرینویس در مقاله‌ای با عنوان «سد راغون- راهی برای استقلال انرژی یا تهدید امنیتی» به چالش بین ازبکستان و تاجیکستان بر سر بهره‌برداری از آب پرداخته است. آبینک و اوهارا هم در مقاله‌ای با عنوان «منبع بی‌اعتمادی: مطالعه موردی مناقشه آب در آسیای مرکزی» مسئله آب را در آسیای مرکزی مورد بررسی قرار داده‌اند. از نظر آن‌ها ملی‌گرایی این جمهوری‌ها به همراه دیگر اختلاف‌ها، آب را به ابزار این کشورها برای فشار علیه یکدیگر تبدیل کرده است.

روزاریو هم در مقاله‌ای با عنوان «نظارت همکاری جویانه بر آب در آسیای مرکزی» کشورهای این منطقه را «جوامع در حال خطر» می‌خواند و در پی بیان آن است که چگونه این خطر محرکی برای توسعه سازوکارهای نظارت بر آب می‌شود. شرایط تاریخی، اجتماعی و فرهنگی این کشورها محدودیت‌هایی را در توانایی آن‌ها برای ایجاد ترتیبات مدیریت آب پدید آورده است. از جمله این محدودیت‌ها، تنش‌های قومی و تمرکزگرایی سیاسی است. جرمی الوچ در مقاله‌ای با عنوان «نظارت بر آب‌های آسیای مرکزی: منافع ملی در مقابل همکاری‌های منطقه‌ای» سیاست‌های ملی جمهوری‌های آسیای مرکزی را در مورد مسئله آب و نقش روسیه را در این زمینه بررسی می‌کند. او معتقد است نخست موضوع آب بود که توجه جامعه بین‌المللی را به این منطقه جلب کرد. وی بیان می‌کند اولویت دادن به منافع ملی مانع توافق جامع برای مدیریت آب در آسیای مرکزی است. یکی از راه‌حل‌هایی که جرمی الوچ پیشنهاد می‌کند، کاهش وابستگی هر پنج جمهوری به منابع آبی به‌ویژه در عرصه کشاورزی است. بیشتر این نوشته‌ها به این موضوع نپرداخته‌اند که بحث بر سر چه مواردی است و مهم‌تر این که اختلاف‌ها را دو به دو



بررسی نکرده‌اند. این مقاله اختلاف‌های جمهوری‌های آسیای مرکزی را دو به دو بررسی می‌کند و به موارد اختلاف نیز می‌پردازد.

چارچوب نظری

در میان کشورهایی که از منابع مشترک آبی و انرژی برخوردار بوده‌اند، همواره بر سر چگونگی بهره‌برداری و کنترل آن اختلاف‌نظر وجود داشته است. نظریه‌های مختلفی برای تبیین این اختلاف‌ها وجود دارد. در نظریه واقع‌گرایی منافع ملی اولویت هر دولت در نظام بین‌المللی معرفی می‌شود و نهادگرایی لیبرال موضوع ایجاد رژیم‌ها برای رسیدن به منافع مشترک را مطرح می‌کند. از هر دو نظریه می‌توان برای تبیین تنش‌های آبی در میان جمهوری‌های آسیای مرکزی استفاده کرد، ولی در این مقاله برای تبیین موضوع اختلاف‌های آبی از مدل گرت هاردین^۱ به نام «تراژدی مشترکات» یا «پیوندهای مناقشه‌انگیز»^۲ استفاده می‌شود (Hardin, 1968:3). این مدل در میانه دو طیف نظریه واقع‌گرایی و نهادگرایی لیبرال قرار می‌گیرد. بر این اساس پاره‌ای از مسایل به بهره‌برداری مشترک جهانی یا منطقه‌ای از دریاها، دریاچه‌ها و رودخانه‌ها مربوط می‌شود. وقتی دسترسی به منبع مشترک آزاد باشد توافقی شکل نگرفته باشد، سود هر استفاده‌کننده در بیشینه-سازی بهره‌برداری از آن منبع است. بنابراین سوال‌هایی مطرح می‌شود که هر استفاده‌کننده چه میزان از آن منبع و بر اساس چه معیاری باید بهره‌برداری کند؟ شیوه مدیریت و کنترل این منابع چگونه باید باشد؟ بنابراین موضوع فاجعه مشترکات یا پیوندهای مناقشه‌انگیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

پاسخ به این سوال‌ها، اولویت منافع ملی بدون توجه به منافع کشورهای دیگر است که زمینه تنش را میان دارندگان منبع مشترک فراهم می‌کند. هاردین معتقد است مشکل مشترکات این است که همه ادعای مالکیت و کنترل منابع دارند و ادعاهای یکدیگر را قبول ندارند. در نتیجه مسئله اطاعت از مقررات نیز مطرح می‌شود. به‌ویژه هنگامی که مقررات جدید دسترسی به آن منبع را محدود کند. ولی اگر یک سلسله-مراتب قوی و قادر به تصمیم‌گیری و اجرا وجود داشته باشد، دورنمای غلبه بر اختلاف‌نظر در مورد پیوندهای مناقشه‌انگیز وجود خواهد داشت (بیلیس، ۱۳۸۸: ۸۷۸). کشورهای آسیای مرکزی پس از استقلال درگیر تنش‌های آبی به عنوان پیوندهای مناقشه‌انگیز شده‌اند. در چارچوب این مدل کشورهای آسیای مرکزی منافع ملی خود را بر منافع



مساله آب و روابط
کشورهای آسیای
مرکزی

1. Garrete Hardin
2. Tragedy of Commons or Contested Commons

مشترک ترجیح می‌دهند که به نظریه واقع‌گرایی نزدیک می‌شود. این کشورها هنوز نتوانسته‌اند، به توافق برای مدیریت منابع مشترک دست یابند.

مدیریت منابع آب در دوره اتحاد شوروی

آب یکی از مولفه‌های مهم آسیای مرکزی در طول تاریخ بوده است و بررسی تاریخ این منطقه بدون توجه به تحولات آن نارسا است. در تاریخ آسیای مرکزی مدیریت منابع آبی بسیار مورد توجه بوده است و حکومت‌ها نهادهایی مانند میراب و دیوان «کاهش-افزایش» برای مالیات گرفتن از صاحبان منابع آب تاسیس می‌کردند و حتی رودخانه‌های مهم در نظارت دیوان رود قرار داشتند (بارتولد، ۱۳۵۰:۱۳۵). از جمله شیوه‌های استفاده از منابع آبی در تاریخ آسیای مرکزی می‌توان به نوغان‌داری و ساخت کانال برای انتقال آب به زمین‌های دور از بستر رودخانه‌ها اشاره کرد که هنوز این شیوه‌ها اجرا می‌شود. پیوند منابع آبی با کشاورزی، آبیاری را عنصری مهم در تاریخ بهره‌برداری از آب در آسیای مرکزی تبدیل کرده است. در دوره سلطه روس‌های تزاری، گسترش آبیاری برای کشت پنبه مورد توجه قرار گرفت. در یک برنامه بیست ساله ۳۶.۴ میلیون روبل به گسترش آبیاری در این منطقه تخصیص داده شد که تنها در رودخانه مرغاب، نظام آبیاری تا ۲۴ هزار هکتار گسترش یافت. همین سیاست به گونه‌ای گسترده‌تر در دوره اتحاد شوروی اجرا شد (کولایی، ۱۳۷۸: ۷۴) و وظیفه آسیای مرکزی تولید مواد اولیه کشاورزی برای شوروی شد.

مدیریت منابع آبی یکی از اولین مولفه‌های مورد توجه رهبران شوروی در آسیای مرکزی بود. لنین در سال ۱۹۱۸ نخستین اعلامیه قانونی مدیریت آب را که فرمانی برای اختصاص ۵۰ میلیون روبل برای مدیریت آب در ترکستان بود، امضا کرد. دو سال بعد «برنامه گوئلرو» تصویب شد که در آن توسعه برق تاثیر مهمی بر چشم‌اندازها برای ساخت نیروگاه‌های برق - آبی در آسیای مرکزی داشت. فکر استفاده از آب برای تولید برق از این زمان به بعد، شیوه مدیریت آن را نیز تغییر داد. تصمیم دیگری این تغییر را بیشتر کرد. در سال ۱۹۲۴ کمیته مرکزی حزب کمونیست جداسازی ملی قومیت‌های - های آسیای مرکزی را هدف قرار داد. این سیاست ملیت‌سازی که توسط استالین شروع و اجرا شد و تا ۱۹۳۶ ادامه یافت، زیربنای اختلاف‌های آبی بعدی را در آسیای مرکزی فراهم کرد. در دوران اتحاد شوروی آسیای مرکزی به بخش کشاورزی وابسته شد و پنبه



فصلنامه علمی پژوهشی
سیاست جهانی،
دوره دوم، شماره سوم،
پاییز ۱۳۹۲

1. GOELRO Plan

به کالایی حیاتی در اقتصاد این جمهوری‌ها تبدیل شد. اتحاد شوروی برای تامین آب کشتزارها، کانال‌هایی مانند قره‌قوم و فرغانه را ساخت (Dukhovny, 2011: 119-120, Valentini, 2004: 25)

اختلاف‌های آبی در آسیای مرکزی مانند اختلاف‌های قومی، مذهبی و زیست‌محیطی ریشه در سیاست‌های اتحاد شوروی و مدیریت آبی آن دارد. میراث شیوه‌های مدیریت آب از دوره شوروی، پس از فروپاشی در این کشورها ادامه یافت. کاربرد این نظام مدیریت آبی در نتیجه توسعه شدید فرآیندهای دولت‌سازی و تحولات اقتصادی ناممکن است. اگر چه هم در دوره شوروی و هم پس از آن، هدف اصلی مدیریت آب، بیشینه‌سازی بهره‌برداری از زمین، آب و منابع انرژی منطقه بود، اما جمهوری‌های آسیای مرکزی در این مدیریت نقشی نداشتند. مسکو خود مدیریت آب را به عهده داشت. چنین رویکردی به استفاده از منابع طبیعی، گسترش روز افزون تولید کشاورزی و ساخت مخزن‌های مصنوعی آب در کشورهای بالا دستی جریان آب را در پی داشت. برای جبران سود از دست‌رفته حاصل از منابع آبی در جمهوری‌های بالادستی، مواد غذایی به‌طور منظم به تاجیکستان و قرقیزستان فرستاده می‌شد و آب در تاجیکستان برای کشت در اختیار کشورهای پایین‌دست قرار می‌گرفت و آن‌ها در زمستان سوخت فسیلی و انرژی مورد نیاز کشورهای بالادستی را تامین می‌کردند (Mamatkanov, 2008: 3).

در دوره اتحاد شوروی منابع آبی جمهوری‌های آسیای مرکزی بر اساس برنامه‌های استفاده از آب مدیریت می‌شد. این برنامه‌ها توسط وزارت‌خانه‌های محلی احیای زمین-های کشاورزی و مدیریت منابع آبی تهیه و برای تصویب به وزارت‌خانه منابع آبی در مسکو فرستاده می‌شد. این طرح‌ها محدودیت‌هایی را برای برداشت از منابع رودخانه‌ها، ذخایر آب و کانال‌های آبی تعیین می‌کرد. توافق‌نامه‌های دوجانبه میان جمهوری‌ها در مورد تقسیم منابع آبی امضا شده بود. مانند توافق‌نامه‌های میان ترکمنستان، تاجیکستان و ازبکستان در مورد استفاده از آب آمودریا و میان ازبکستان و قرقیزستان در مورد آب سیردریا. اما هیچ‌کدام از این توافق‌نامه‌ها چگونگی بازگشت جریان آب را دربر نمی‌گرفت. پس از فروپاشی شوروی همین توافق‌ها در مورد مدیریت منابع آب برجا ماند. این شیوه تقسیم آب توسط مسکو، مورد حمایت کشورهای پایین‌دست منابع آب بود، در حالی که در این دوره، نگرانی و هزینه ساخت سدها بر عهده حکومت مرکزی بود (Spoor, 2004: 4)

تنش‌های آبی در میان جمهوری‌های آسیای مرکزی

پس از فروپاشی اتحاد، مرزهای میان جمهوری‌ها جنبه بین‌المللی و منابع آبی رودخانه‌های جنبه فرامرزی پیدا کردند. با توجه به این عامل، کشورهای منطقه را به دو دسته کشورهای پایین جریان آب (ازبکستان، ترکمنستان و بخش‌هایی از قزاقستان) و کشورهای بالای جریان آب (تاجیکستان و قرقیزستان) تقسیم‌بندی می‌کنند. از یک سو وجود همان ترتیبات سهم‌بندی دوره شوروی و از سوی دیگر پدیدآمدن مرزهای بین‌المللی و جنبه فرامرزی پیدا کردن منابع آبی پس از فروپاشی اتحاد شوروی، سبب شد اسمیت بنویسد در هیچ جای جهان ظرفیت درگیری بر سر منابع آب به اندازه آسیای مرکزی وجود ندارد (Smith, 1995: 351). پس از استقلال کشورهای پایین دست منابع آب، منابع انرژی خود را منحصر کرده و فروش انرژی با قیمت‌های بازار جهانی را دنبال کردند. این اقدام، کشورهای بالادستی آب را در شرایط دشواری قرار داد، دیگر مبادله آب در برابر دریافت انرژی و مواد غذایی صورت نمی‌گرفت. تلاش‌ها برای حل این مشکل از راه افزایش تولید انرژی برق آبی در زمستان، به تنش‌های سیاسی با کشورهای پایین دست منجر شد و آب را هم به یک هدف و هم یک ابزار در روابط میان کشورهای آسیای مرکزی تبدیل کرد. تنش بین تاجیکستان و ازبکستان در مورد سد راغون یک نمونه است. در حالی که تاجیکستان در مورد واردات گاز از ازبکستان به توافق رسیده بود، در همان حال ساخت سد راغون را آغاز کرد (Votrin, 2003: 11). برای روشن تر شدن جایگاه آب در روابط بین دو بازیگر می‌توان طبقه‌بندی زیر در مورد بحران‌زا بودن آب را استفاده کرد که شش مولفه است:

۱) کنترل منابع آبی که می‌تواند هم توسط یک دولت یا یک بازیگر غیردولتی صورت گیرد، در جایی که عرضه و دسترسی به آب ریشه اختلاف‌ها است. کنترل منابع آب رودخانه هیرمند در مرز ایران و افغانستان یک نمونه است.

۲) آب به عنوان ابزار نظامی جایی است که دولتی منابع آبی را به عنوان سلاحی در یک اقدام نظامی بر علیه ملتی دیگر به کار می‌برد. روس‌ها برای تصرف خان‌نشین‌های آسیای مرکزی با قطع جریان آب به داخل شهرها، حاکمان محلی را به تسلیم واداشتند (سارلی، ۱۳۶۴: ۱۰۰).

۳) آب به عنوان ابزار سیاسی در جایی است که آب توسط بازیگران دولتی یا غیردولتی برای فشار در راه هدفی سیاسی به کار می‌رود. ترکیه با کاهش ورود آب رودخانه‌های فرات و دجله به سوریه، این کشور را وادار کرد ضمن اخراج اوجالان رهبر گروه پ.ک.ک، رفتارش را تغییر دهد. (Eligur, 2006: 2)



۴) تروریسم، جایی که منابع آبی هم به عنوان هدف و هم به عنوان ابزار خشونت توسط بازیگران غیر دولتی استفاده می‌شود. تاجیکستان در ۱۹۹۸ شاهد تهدید تروریست‌ها برای انفجار سد؛ در صورت برآورده‌نشدن خواسته‌هایشان بود.

۵) هدف نظامی، گاه منابع آبی هدف اصلی اقدام‌های نظامی توسط دولت‌ها تلقی می‌شوند. یکی از هدف‌های عراق در جنگ با ایران اعمال حاکمیت کامل خود بر اروندرود بود (Ashouri, 2008: 4).

۶) تنش‌ها بر سر پیشرفت جایی که منابع آبی منبع اصلی تنش در زمینه توسعه اقتصادی و اجتماعی هستند. ساخت سدهای قمبرآتا توسط قرقیزستان روی رودخانه چیرچیک برای استفاده اقتصادی سبب اعتراض دو کشور قزاقستان و ازبکستان شد که در نتیجه قزاقستان صادرات انرژی به این کشور را برای مدتی متوقف کرد (Gleick, 1998: 107).

کنترل منابع آبی؛ آب به عنوان ابزار سیاسی؛ تروریسم و آب به عنوان ابزار توسعه اقتصادی و اجتماعی، از موارد تنش‌زا در آسیای مرکزی هستند و در این ناحیه نیز رخ داده‌اند. جنبه تروریستی و ابزار سیاسی در ۱۹۹۸ در تاجیکستان رخ داد که سرکرده چریک‌ها، محمود خدابردی‌اف تهدید به انفجار سدی در صورت برآورده‌نشدن خواسته‌های سیاسی‌اش کرد. مورد دوم جنبه اقتصادی - اجتماعی داشت و در ۲۰۰۰ بین قرقیزستان، قزاقستان و ازبکستان رخ داد. قرقیزستان با قطع جریان آب به قزاقستان، خواستار واردات ذغال سنگ بیشتری بود. ازبکستان به سبب نپرداختن بدهی، نیز جریان آب به قزاقستان را قطع کرد. در این سال قرقیزستان برای اولین بار از آب به عنوان ابزار سیاسی استفاده کرد. مورد دیگر در ۲۰۱۲ رخ داد که جنبه اقتصادی - اجتماعی داشت که ازبکستان گاز طبیعی به تاجیکستان را قطع کرد تا مانع ساختن سد راغون شود که نسبت به دو مورد پیش‌گرایش بیشتری به بحرانی شدن داشت. (<http://www.worldwater.org/chronology.html>)

پس از استقلال، نیاز کشورهای آسیای مرکزی به توافق‌نامه‌ای برای تنظیم تخصیص آب آشکار شد. توافق‌نامه آلماتی ۱۹۹۲ شیوه سهم‌بندی دوره شوروی را حفظ کرد که مورد حمایت کشورهای پایین‌دستی جریان آب بود. در حالی که تاجیکستان و قرقیزستان این سهم‌بندی را محدودیتی در راه توسعه اقتصادی و اجتماعی خود می‌دانستند. سهم آب هر جمهوری بر اساس توافق‌نامه ۱۹۹۲ در جدول زیر آمده است:

جدول ۱: سهم آب جمهوری‌ها بر اساس توافق‌نامه ۱۹۹۲

کشور	تخصیص آب آمودریا.درصد	تخصیص آب سیر دریا. درصد
قزاقستان	۰	۳۸/۱
قرقیزستان	۰/۴	۱/۰
تاجیکستان	۱۳/۶	۹/۲
ترکمنستان	۴۳/۰	۰
ازبکستان	۴۳/۰	۵۱/۷
کل	۱۰۰	۱۰۰

Source: Bedford, 1998

همان‌طور که جدول بالا نشان می‌دهد، در حالی که تاجیکستان و قرقیزستان سرچشمه دو رودخانه آمودریا و سیردریا هستند، کم‌ترین سهم را در استفاده از آب این رودخانه‌ها دارند. شورای بین‌دولتی دریاچه آرال، نسبت به دیگر نهادها در کاهش اختلاف جمهوری‌ها شرایط شکل‌گرفتن چند توافق‌نامه را فراهم آورده است. از جمله توافق‌نامه ۱۹۹۳ است که در ماده یک بیان می‌شود اعضا نیاز برای توسعه سیستم آبیاری منظم و ارتقای استفاده از آب را تایید می‌کنند. در سال ۱۹۹۶ در بیشکک سران سه جمهوری ازبکستان، قرقیزستان و قزاقستان بیانیه‌ای صادر کردند که بر ضرورت افزایش سرعت توسعه یک استراتژی جدید برای تخصیص آب و سازوکارهای اقتصادی در حوضه مدیریت آب تاکید کردند. با تجزیه و تحلیل این اقدام‌ها آشکار می‌شود که اختلاف نظرهای جدی بین کشورهای بالادست و پایین‌دست وجود نخواهد داشت، اگر دو مسئله برطرف شود. نخست یک استراتژی جدید سهم‌بندی آب منطقه‌ای طراحی شود و دوم سازوکارهای جبرانی برای آسیب‌ها و زیان‌ها تشکیل شود. با این حال تحولی اساسی پدید نیامده است. قرقیزستان که دارای منابع آبی زیادی است و ظرفیت افزایش زمین‌های کشاورزی را تا یک میلیون و سیصد هزار هکتار دارد، تنها چهار کیلومتر مکعب آب برای ۴۶۵.۰۰۰ هکتار زمین استفاده می‌کند. این میزان کشاورزی نمی‌تواند امنیت غذایی این جمهوری را تامین کند (Mamatkanov, 2008: 143).

سهم بندی آب عادلانه به نظر نمی‌رسد. کشورهای حاشیه دو رودخانه بزرگ این منطقه نقش نابرابری در استفاده از منابع آبی دارند. رودخانه آمودریا با طول ۲۵۴۰ کیلومتر، بیشترین آب خود را در تاجیکستان به دست می‌آورد. رودخانه سیردریا به طول ۲۲۱۲ کیلومتر بیشترین آب خود را از کوهستان‌های قرقیزستان تامین می‌کند. همین دو رودخانه کانون‌های اصلی بحران آب در آسیای مرکزی هستند. بر اساس موافقت‌نامه

۱۹۹۲ کشورهای آسیای مرکزی، تنها جریان‌های رودخانه پیانگ، وخش، کافرنهان و نیز آمودریا تابع تخصیص و مدیریت آبی بین دولتی است (Votrin, 2003: 42). این طرح‌ها به عنوان پایه قانونی تخصیص و مدیریت آبی مشترک میان مصرف‌کنندگان آب در آسیای مرکزی عمل می‌کنند. جدول زیر منابع آب سطحی دو رودخانه را به صورت جدا نشان می‌دهد.

جدول ۲: منابع سطحی آمودریا و سیردریا

کشور	حوضه رودخانه آمودریا. کیلومتر مکعب درسال	حوضه رودخانه سیردریا. کیلومتر مکعب درسال
قزاقستان	-	۴.۵۰
قرقیزستان	۱.۹۰	۲۷.۴
تاجیکستان	۶۲.۹	۱.۱
ترکمنستان	۲.۷۸	-
ازبکستان	۴.۷۰	۴.۱۴
افغانستان	۶.۱۸	-

www.cawater-info.net/aryl/water-.html (Accessed on 14 June 2013)

در تفسیر اطلاعات این جدول در ارتباط با جدول یک، باید گفت در حالی که تاجیکستان و قرقیزستان سرچشمه‌های اصلی سیردریا و آمودریا هستند، نسبت به دیگر جمهوری‌ها بهره‌برداری کمتری از این منابع داشته‌اند. عامل دیگری که منابع آبی را در آسیای مرکزی تنش زا می‌کند، «مصرف» است. در مرکز نظام‌های اقتصادی ازبکستان و ترکمنستان، پنبه یا طلای سفید قرار دارد که بیشترین ارز آوری را برای این کشورها دارد. ازبکستان سه پنجم منابع عرضه شده آب را مصرف می‌کند. مصرف صنعتی آب ترکمنستان و ازبکستان دو برابر قرقیزستان و تاجیکستان است. توزیع نابرابر آب جمهوری‌ها را به توافق ۱۹۹۸ رساند که مبادله آب - انرژی ادامه یابد. این توافق‌نامه بین قرقیزستان، ازبکستان و قزاقستان امضا شد، اما به چند دلیل نقض شد. نخست، ازبکستان و قزاقستان در بهار که نیازمند به آب بودند، تعهدهای خود را اجرا می‌کردند. دیگر این که سازوکار کنترلی وجود نداشت. در این موافقت‌نامه تغییر شرایط اقلیمی مطرح نشده بود. خشکسالی‌های بعد، قرقیزستان را مجبور کرد آب رها شده در تابستان را کاهش دهد و در زمستان با رها کردن آن، سیلاب را به زمین‌های کشاورزی کشورهای پایین دست بفرستد. قرقیزستان و قزاقستان در سال ۲۰۰۰ توافق‌نامه استفاده بین‌دولتی

رودخانه‌های چو و تالاس را امضا کردند که به همین سرنوشت دچار شد (Spechler, 2002: 4)

نه همکاری اقتصادی و نه سهمیه‌بندی آب، به حل این موضوع در آسیای مرکزی کمکی نکرده است. با وجود همه توافقاتی که مشترک، برای همه دولت‌های آسیای مرکزی دستخوش کمبود شدید آب، پیشبرد استراتژی ملی آب یک اولویت منطقی بوده است. با این حال هیچ‌یک از این دولت‌ها در این راه قدمی برنداشته‌اند. اگرچه در حوضه رودخانه سیردریا بیش از آمودریا سعی شده، چنین کارهایی اجرا شود، اما اجرای توافقاتی که موجود نیز مشکلی اساسی است. هیچ‌یک از توافقاتی که هدف کاهش استفاده از آب یا کاهش زمین‌های کشاورزی را مشخص نکرد (Klotzli, 1997: 15). بی‌تمایلی جمهوری‌های آسیای مرکزی به همکاری، بسیاری از طرح‌ها را از بین برده است. برای نمونه تلاش سازمان امنیت و همکاری اروپا در متقاعد کردن جمهوری‌ها به مذاکره در مورد مشکلات آب منطقه با برگزاری کنفرانسی در لندن موفق نبود. ترکمنستان، لندن را جای مناسبی برای برگزاری این کنفرانس نمی‌دانست. ازبکستان هم مدعی شد که کشورش تجربه هزار ساله در مدیریت مشکلات آبی را دارد و گفت‌وگوهای دوجانبه را بر کنفرانس چند جانبه ترجیح می‌دهد. اگر چه در سال ۲۰۱۳ رهبران ترکمنستان و ازبکستان در مورد تنش‌های آبی در منطقه حاضر به گفتگو شدند. (<http://www.eurasianet.org/node/67828>)

ازبکستان و ترکمنستان بیشترین وابستگی را به آب دارند و امنیت خود به آن وابسته می‌دانند. ازبکستان با چهار جمهوری دیگر آسیای مرکزی درگیر مشکل آبی است. موضوع آب در آسیای مرکزی ماهیت چند بعدی پیدا کرده است. مجموعه‌ای از مشکلات مرزی، تندروی اسلامی، رشد زیاد جمعیت، تنش‌های قومی، رقابت قبیله‌ای، حقوق بشر و بی‌ثباتی سیاسی را شامل می‌شود (کولایی، ۱۳۹۱، ۱۱۲). شکاف‌های قومی قابل انفجار می‌تواند کشورهای منطقه را پاره پاره کند. این تهدیدها که هم سنتی و هم غیرسنتی هستند، هم‌پوشانی دارند و می‌توانند یکدیگر را تقویت کنند. ویژگی این تهدیدها در آسیای مرکزی این است که احتمال سرایت آن‌ها به همه جمهوری‌ها وجود دارد و همه را تحت تاثیر قرار می‌دهد. تهدید محیط‌زیست که به سبب مدیریت نادرست منابع آبی پدید آمده، تهدید غیرسنتی یا نرمی است که تا زمانی که موضوع آب بین جمهوری‌ها حل نشود، ادامه یافته و حتی بدتر از گذشته هم می‌شود (Swanstrom, 2010: 11). در بخش بعدی اختلاف‌های آبی بین جمهوری‌های آسیای مرکزی بررسی می‌شود.

۱- تاجیکستان - ازبکستان

تاجیکستان و ازبکستان پس از استقلال روابط پر فراز و نشیبی داشته‌اند. با این حال همکاری‌های اقتصادی در روابط دو کشور مهم بود. از جمله قرارداد ۱۹۹۶ برای انتقال گاز به تاجیکستان. ازبک‌ها در طول جنگ داخلی تاجیکستان اعلام کردند یکی از تضمین کنندگان فرآیند صلح در این کشور خواهند بود. ازبک‌ها به همکاری با مخالفان دولت تاجیکستان متهم شدند. حمله به پست‌های مرزی تاجیکستان و تبادل آتش بین دو طرف، امنیت را در راس روابط بین دو کشور قرار داد. در سال ۱۹۹۸ پنج سند همکاری اقتصادی بین دو کشور امضا شد. با این حال حمله چریک‌ها به یک شهر مرزی تاجیکستان، ترور شهردار و فرار به ازبکستان، ازبک‌ها تردیدهای بیشتری پیدا کردند. اختلاف بر سر منابع آبی روابط دو کشور را بعد امنیتی بیشتری بخشید. بیشترین اختلاف‌های آبی در آسیای مرکزی در بین این دو جمهوری وجود دارد و از سال ۲۰۰۰ به بعد این تنش‌ها بیشتر شده است. پس از پایان جنگ در ۱۹۹۷، توسعه اقتصادی اجتماعی با کمک منابع طبیعی در دستور کار دولت تاجیکستان قرار گرفت. از جمله استراتژی توسعه بخش انرژی ۲۰۰۶-۲۰۱۵ مورد توجه قرار گرفت (Klaus, 2009: 10)

این جمهوری نسبت به همسایه‌های خود کمترین منابع معدنی را دارد، در حالی که بیشترین منابع آبی را در آسیای مرکزی دارد. بنابراین ساخت نیروگاه‌های برق آبی و توسعه کشاورزی را محور توسعه اقتصادی قرار داد. به طوری که آب می‌توانست بزرگ‌ترین منبع جذب سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور باشد. بیشترین اختلاف دو کشور در مورد ساخت سد راغون روی رودخانه وخش است. کشاورزی و صنایع وابسته به آن ۳۴/۲ درصد تولید ناخالص ملی ازبکستان را در بردارد و ۴۴ درصد نیروی کار در این بخش شاغل هستند. زمین‌های کشت شده حدود ۵/۲ میلیون هکتار برآورد شده‌اند که ۸۷ درصد آن کشت سالیانه و ۱۳ درصد کشت دائمی است بیشتر به علت کمبود آب، سهم مناطق زیر کشت از مناطق قابل کشت ۲۰ درصد است (Perelet, 2010: 7).

تاجیکستان همین وابستگی‌ها را به آب دارد. ۹۳ درصد کشور تاجیکستان کوهستانی است. از جمله مشکلاتی که این جمهوری با آن روبه رو است، کمبود شدید سوخت در مناطق روستایی است. مردم این مناطق که بیشتر فقیر هستند، قادر به پرداخت هزینه‌های دستگاه تولید برق نیستند. ۷۲ درصد جمعیت این کشور در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. از سوی دیگر اقتصاد این جمهوری مبتنی بر تولید برق آبی، آلومینیوم و پنبه است. کشاورزی ۲۳/۴ درصد تولید ناخالص داخلی را تامین می‌کند و سهم این بخش در اشتغال ۶۷/۲ درصد است. حدود ۸۰ درصد درآمد صادرات این کشور از این سه عامل

به دست می آید. آب مهمترین عامل برای تولید کالاهای صادراتی آلومینیوم و پنبه است. صنعت آلومینیوم این کشور حدود ۴۰ درصد کل انرژی برق را مصرف می کند. این کشور ۹۵ درصد گاز خود را از ازبکستان وارد می کند، در مصرف گاز نیز بخش صنعت در اولویت است (Jorde, 2009: 5).

اختلاف دو کشور بیشتر به زمان نیاز به استفاده از آب مربوط است. ساخت سد راغون کانون اختلاف های دو جمهوری است. ساخت این سد از اوایل سال ۲۰۰۰ شروع شد. ایستگاه شماره یک راغون و اجرای ایستگاه دو راغون و نیز ساخت سد در سال ۲۰۰۴ به شرکت روسی «روسال»^۱ تعلق گرفت. هزینه ساخت آن بیش از دو میلیارد دلار برآورد شد. هدف شرکت روسی تولید برق برای گسترش کارخانه ذوب آلومینیوم راغون بود. با این حال، این شرکت در سال ۲۰۰۵ به دلیل مخالفت با حکومت تاجیکستان بر سر ارتفاع و ظرفیت ذخیره سازی سد، از پروژه کنار کشید (<http://tajik.trib.ir/persian/news>). شریک علاقمند دیگر در این زمینه اوکراین بود که در سال ۲۰۰۸ توافق هایی در این باره شد که نتیجه عملی نداشت. سرانجام دولت تاجیکستان با جمع آوری ۲۰۰ میلیون دلار از راه فروش اجباری سهام به مردم، فعالیت را شروع کرد. این فرایند به کاهش رفاه مردم در کوتاه مدت منجر شد و در نتیجه دولت تصمیم گرفت سد را بر همان ویرانه های قبلی بنا سازد که این مورد یکی از دلایل های مخالفت ازبکستان با این طرح است (Rosario, 2009: 9-10). تلاش های تاجیکستان برای ساخت سد راغون علاوه بر پیامدهای منفی آن در داخل، تیرگی روابط با ازبکستان را افزایش داده است. در سطح داخل طرح اجباری کردن خرید سهام، شرکت های کوچک فعال در عرصه تجارت را که دومین سهم را در تولید ناخالص داخلی این کشور دارند، آسیب پذیر کرده است. بودجه مورد نیاز برای ساخت سد برابر با تولید ناخالص داخلی است. در نتیجه تاجیکستان مجبور به گرفتن وام از خارج و افزایش بدهی های خارجی می شود. تجدید حیات این طرح واردات این کشور را افزایش می دهد و به دنبال آن تقاضا برای ارز افزایش یافته است که به دنبال خود افزایش تورم و ورشکستگی را بالا می برد که به افزایش بیکاری و مهاجرت منجر می شود (Grinwis, 2011: 8).

طرح راغون از نظر سیاسی تنش زا است، زیرا ازبکستان نگران آبیاری، ثبات زیست-محیطی و امنیت منطقه ای است. احیای این طرح روابط ناخوشایند این دو کشور را بدتر می کند. پیامد منفی دیگر اجرای این طرح در روابط دو کشور به روابط تجاری مربوط

1. Rusal company

است. تاجیکستان گاز و کود خود را از ازبکستان وارد می کند. ۳۸ درصد واردات تاجیکستان از ازبکستان صورت می گیرد و ۲۱ درصد صادرات تاجیکستان به ازبکستان می رود (<http://www.Indexmundi.com/tajikistan/exports.html>). تاجیکستان برای تنوع بخشیدن به منابع انرژی خود، درصدد ساخت یک خط لوله گاز از ترکمنستان بوده است، ولی ازبکستان اجازه عبور خط لوله را از قلمرو خود نمی دهد. مخالفت ازبکستان با ساخت راغون سبب شده صندوق بین المللی پول تا حل اختلاف دو طرف، کمک های مالی خود را به این طرح متوقف کند. اقدام های یک جانبه تاجیکستان نسبت به ساخت نیروگاه و نبود توافق با ازبکستان در این زمینه، ازبکستان را متقاعد کرد انتقال گاز و کود به تاجیکستان را قطع کند. تنش در روابط حتی به سطح شبکه حمل و نقل نیز کشیده شده است. بیشتر دسترسی های تاجیکستان به جهان خارج، از طریق ازبکستان انجام می شود. ازبکستان در ۲۰۱۰ از این اهرم استفاده کرد و مانع عبور واگن های حامل تجهیزات ساخت سد شد. توقف این واگن ها در مرز ازبکستان بر عملکرد بودجه ای تاجیکستان نیز تاثیر منفی گذاشت به گونه ای که ۲۰۰ میلیون دلار از درآمد ملی این کشور دریافت نشد. ۸۷ درصد واردات تاجیکستان از طریق اتوبان های ترانزیتی و ۹۲ درصد صادرات از طریق راه آهن صورت می گیرد و این خط های ارتباطی بیشتر از مرز ازبکستان می گذرد (Makhmedov & Tavarov, 2011: 10)

ازبکستان برای جلوگیری از ساخت سد راغون در کنار تهدید نظامی به این ابزارها متوسل شده است: جلوگیری از انتقال برق ترکمنستان به تاجیکستان، کاهش انتقال گاز به تاجیکستان و افزایش قیمت آن، بستن خطوط حمل و نقل ریلی و سازماندهی تجمع ازبک ها در نواحی مرزی علیه آلودگی محیط زیست ناشی از کارخانه آلومینیوم تاجیکستان. اقدام های ازبکستان بر زندگی ساکنان مناطق مرزی نیز آثار منفی داشته است. بیشتر ساکنان منطقه ختلان^۱ در مرز ازبکستان، در مورد افزایش شدید قیمت آرد وارداتی، که ماده غذایی مهم ساکنان این منطقه است، اعتراض کردند. تاجیکستان برای کاهش اعتراض های اجتماعی واردات آرد را کاهش داده است (Makhmedov, 2011: 13) مخالفت ازبکستان با ساخت سد راغون سالانه ۶۰۰ میلیون دلار خسارت به ازبکستان وارد کرده و از ایجاد ۳۰۰ هزار فرصت شغلی جدید در این کشور جلوگیری می کند. ازبکستان در سال ۲۰۱۰ شرایط توافق نامه صادرات گاز به تاجیکستان در زمینه انتقال انرژی را انجام نداد و به جای ۲۵۰ میلیون متر مکعب، تاجیکستان فقط ۱۷۴ میلیون

1. Khatlon

مترمکعب گاز دریافت کرد. این اقدام سبب ورشکستگی شرکت «تاجیک-سیپریت^۱» در منطقه ختلان شد که در نتیجه هزار نفر شغل خود را از دست دادند (http://tajikrib.ir/Persian news/d8AA2af 84-2013). اختلاف دو کشور در همایش-های جهانی در مورد محیط‌زیست و آب نیز مطرح شده است. در نشست جهانی آب در استانبول در سال ۲۰۱۱ این اختلاف بحث و پیشنهاد شد، همراه با بهبود کارایی انرژی برق آبی تاجیکستان، ازبکستان نیز روش‌های جدید آبیاری را در زمان کمبود آب به کار برد. امام علی رحمان رییس جمهور تاجیکستان در نشست کپنهاگ دو سال پیش نیز خواستار اصلاح «نظام کهنه و بی‌ثمر استفاده از آب» در آسیای مرکزی توسط سازمان ملل شد. وی استفاده غیرعقلانه از آب برای کشاورزی توسط ازبکستان را، سبب خشک-شدن دریاچه آرال دانست. در حالی که مقام‌های ازبکستان نیروگاه‌های بزرگ برق - آبی را علت نابودی محیط‌زیست می‌دانستند.

تاجیکستان تصمیم گرفته است از منابع آبی زرافشان نیز استفاده کند. ازبکستان ۹۵ درصد آب زرافشان را استفاده می‌کرده است (Wegerich, 2011: 10). این رودخانه که با عبور از قلمرو ازبکستان در شنزارها ناپدید می‌شود می‌تواند و بحران آبی دیگری را در میان این دو کشور پدید آورد. هیچ توافقی بین دو کشور درباره میزان سهم آب رودخانه زرافشان شکل نگرفته است. با اینکه ۹۶ درصد جریان این رودخانه در تاجیکستان شکل می‌گیرد، سهم این کشور تنها ۶ درصد است. تاجیکستان تصمیم دارد با طرح اورا- تیوب^۲ آب بیشتری را از رودخانه زرافشان به بخش‌هایی از سغد ببرد. اجرای چنین طرحی به آبیاری ۸۷ هکتار زمین بیشتر امکان می‌دهد و امنیت آب ۳۰ هزار هکتار زمین را تضمین می‌کند. تاجیکستان قصد دارد با سرمایه‌گذاری چین چند سد روی این رودخانه بسازد. اعتراض ازبکستان شرکت چینی را از ساخت سد یاولان روی این رودخانه منصرف کرد (Wegerich, 2011: 13).

۲- ازبکستان - ترکمنستان

تنش‌های آبی در طول رودخانه آمودریا تنها محدود به کشورهای بالادستی نیست. آمودریا در مقایسه با سیر دریا در مورد سهم‌بندی آب مقررات کمتری دارد. این موضوع زمینه اختلاف ازبکستان و ترکمنستان را ایجاد کرده است. ۹۵ درصد منابع آبی

1. Tajik siprit company
2. Ura - Tube Scheme

ترکمنستان از رودخانه آمودریا تامین می‌شود. این دو کشور در سال ۱۹۹۶ توافقنامه تقسیم برابر استفاده از آب آمودریا را امضا کردند. با این حال ازبکستان همواره مدعی است که ترکمن‌ها بیش از آنچه در موافقتنامه آمده، آب برمی‌دارند. ازبکستان معتقد است که جمعیت وابسته به آب آن چندبرابر جمعیت ترکمن وابسته به آب است و تقسیم برابر آب ناعادلانه است (Baizakova, 2010: 7). همچنین میزان زمین‌های کشاورزی ازبکستان بیشتر است. از نگاه ازبک‌ها باید، جمعیت، نیاز آبیاری و هدررفت آب در تعیین سهم آب نقش داشته باشد. در حالی که دو طرف توافق کرده‌اند سهم هریک ۲۲ کیلومتر مکعب آب باشد، ترکمنستان ۳۰ کیلومتر مکعب آب بهره‌برداری می‌کند و کانال قره‌قوم دو برابر دوره شوروی آب مصرف می‌کند. بحران دو کشور به اختلاف بر سر طرح‌های آبی نیز می‌رسد. ساخت دریاچه قرن طلایی^۱ در ترکمنستان، از آن جمله است (<http://www.hydrologie.org/arial/golden-age-lake.pdf>). ساخت این دریاچه با طرحی ده ساله از سال ۲۰۰۰ شروع شد و مرحله اول آن در ۲۰۰۲ تکمیل شد. ترکمنستان هدف از ساخت آن را، جمع کردن آب‌های کشاورزی برای تثبیت سطح آب دانسته تا نیازمند وارد کردن آب بیشتر از آمودریا نباشد. ازبک‌ها معتقدند تبخیر زیاد هدف ترکمن‌ها را نقض می‌کند و چون آب کشاورزی نمک زیادی دارد، دریاچه مصنوعی به دریاچه آرال دیگری تبدیل می‌شود. مگر اینکه میزان بیشتری از آب آمودریا وارد شود. این موضوع ازبکستان را بسیار نگران کرده و حتی جنبه قومیتی هم پیدا کرده است. بیش از یک میلیون ازبک در استان داشخوز ترکمنستان زندگی می‌کنند که ساخت دریاچه موجب مهاجرت آن‌ها می‌شود. افزایش سهم ترکمنستان از آمودریا به معنی کمبود شدید آب در قره‌قالپاغستان و اورگنج و حتی قطع آب به آرال می‌شود. نگرانی دیگر ازبکستان افزایش زمین‌های کشاورزی در ترکمنستان است. برخی هدف از ساخت این دریاچه را ساخت یک نیروگاه هسته‌ای دانسته‌اند. با این حال دریاچه در سال ۲۰۰۹ ساخته شد که ۱۳۰ متر عمق و ظرفیت آن ۱۲۳ کیلومتر مکعب است. میزان آب ورودی قابل پیش‌بینی به این دریاچه ۱۴ کیلومتر مکعب در سال است. میزان سرمایه‌گذاری این طرح حدود ۶ میلیارد دلار برآورد شده بود. دو کشور پدیدآمدن هر چالشی در روابط خود را به اختلاف آبی پیوند می‌دهند. در سال ۲۰۰۲ سفیر ازبکستان به اتهام شرکت در توطئه قتل نیازاف رییس جمهور، وادار به ترک این کشور شد. از دیگر تنش‌های دو کشور اختلاف بر سر مخزن آبی تیایمویون^۲ در دلتای آمودریا بود که بین دو کشور

1. Golden Century Lake
 2. Tyuyamuyun Reserwier

تقسیم شده است. اختلافها در این زمینه سبب شده دو طرف نسبت به اقوام ترکمن و ازبک در خاک خود تبعیض‌هایی را اعمال کنند. ترکمنستان تبعیض علیه ترکمن‌های ساکن ازبکستان را اهرم فشار ازبک‌ها علیه خود تلقی کرده که زمینه گسترش اختلاف به دیگر حوزه‌ها مانند قومیت‌ها را فراهم می‌کند

۳- ازبکستان - قرقیزستان

این دو کشور بیشترین تاریخ تنش بر سر آب و انرژی را دارند. توافق‌نامه مبادله آب - انرژی در سال ۱۹۹۸ از سوی هر دو طرف نقض شده است. اقتصاد دولتی ازبکستان چندان مشکلی در عرضه انرژی برای انجام توافق‌های داد و ستدی ندارد (Dukhovny, 2011: 221). با این حال ازبکستان موفق نشد میزان گاز توافق شده خود را با قرقیزستان به دلایل سیاسی و فنی انتقال دهد. ازبکستان این تاخیر را ناشی از کهنه بودن خطوط لوله خود می‌داند. در سال ۲۰۰۱ مشکلاتی در خط لوله تاشکند - بیشکک - آلماتی بروز کرد و گاز ارسالی به قرقیزستان قطع شد. در زمستان نیز خطوط لوله با افت فشار و قطعی روبه‌رو می‌شوند. مقام‌های قرقیز معتقدند ازبکستان از وابستگی قرقیزستان به گاز برای کسب امتیازهای سیاسی به ویژه سهم آب استفاده می‌کنند. چنین فشاری قرقیزها را واداشته که به منابع داخلی برای تولید برق تکیه کنند از جمله ساخت نیروگاه قمبرآئی یک و دو. ازبکستان اعلام کرده است ساخت این سدها نه تنها زمینه تقابل، بلکه حتی جنگ را ایجاد می‌کند (<http://www.economist.com/node/21563764>)

مقررات رودخانه سیردریا نیز اختلاف دو کشور را افزایش داده که سبب شده قرقیزستان آب را در زمستان رها کند. کارشناسان اتحاد شوروی در گذشته مسیر رودخانه را در چند منطقه تغییر داده بودند و بخش‌هایی از سواحل این رودخانه، برای کشاورزی و صنایع تولیدی استفاده می‌شدند. مخزن توکتگل بیشترین اختلاف را بین دو کشور ایجاد کرده است. اگر بیش از ۴۸۰ - ۵۰۰ مترمکعب در ثانیه آب از این مخزن رها شود، نتیجه‌اش سیل و نابودی زمین‌های کشاورزی ازبکستان است. قزاقستان آب رها شده را راهی دریاچه آرناسای^۱ در ازبکستان می‌کند که در نتیجه آبی به دریاچه آرال نمی‌رسد. قزاق‌ها معتقدند این آب برای کشاورزی ازبک‌ها مفید است. در حالی که ازبکستان معتقد است آب دریاچه به علت نمک زیاد برای کشاورزی مفید نیست. سیلاب ایجادشده ضمن این که کشاورزی نمندگان را تهدید می‌کند، به جاده‌ها و خطوط برق نیز



فصلنامه علمی پژوهشی
سیاست جهانی،
دوره دوم، شماره سوم،
پاییز ۱۳۹۲

1. Arnesai Lake

آسیب می‌رساند. آسیب وارد شده به ازبکستان در سال ۲۰۰۲ از رهاسازی آب ۷۷۰ میلیون دلار برآورد شده است (Ohara, 2010:11). قزاقستان و ازبکستان، قرقیزها را مسئول پرداخت هزینه‌های خسارت‌های وارد شده می‌دانند. ازبکستان تهدید کرده است که در صورت حل‌نشدن موضوع، پرونده را به دادگاه لاهه می‌برد. قرقیزستان معتقد است که ازبکها و قرقیزها با تغییر مسیر رودخانه مقصر زیان‌ها هستند. ازبکستان خواستار رهاسازی آب از سد توکتگل مانند دوره شوروی به میزان ۷۵ درصد برای کشاورزی است (Dukhovny, 2011: 242).

اختلاف دیگر دو کشور، هزینه‌های نگهداری تاسیسات آبی است. هر سال ازبکستان خواستار رهاسازی آب برای بهبود کشاورزی است. ازبکستان در اوایل دهه ۲۰۰۰ قصد داشت منطقه سد توکتگل را تصرف کند. قرقیزها خراب‌شدن سد توکتگل را برابر با نابودی دره‌های زرافشان و فرغانه در ازبکستان می‌دانند. آن‌ها سعی کرده‌اند دو کشور پایین دستی قزاقستان و ازبکستان را متقاعد کنند در هزینه‌های حفظ و تعمیر مخزن این سد سهیم شوند که با مخالفت این دو کشور روبه‌رو شده است. قزاقستان ادعا کرده است که قادر نیست هر سال هزینه‌ای بین ۱۵ تا ۲۷ میلیون دلار بپردازد. با این حال با تصویب «حقوق استفاده بین‌دولتی از تاسیسات آبی، منابع آبی و سازوکارهای مدیریت آب» در سال ۲۰۰۱، پارلمان قرقیزستان درها را به روی مذاکره با کشورهای پایین‌دست در مورد هزینه‌های حفاظت از سد توکتگل بازگذاشت، ولی با وجود تمایل قزاق‌ها، ازبکستان مخالف بود. ازبکستان در سال ۲۰۰۲ به توافقی با قرقیزستان دست یافت که بخشی از هزینه‌ها را در برابر تضمین دریافت آب برای کشاورزی تضمین می‌کند. اختلاف دو کشور همچنین در مورد تلقی آب به عنوان یک کالا یا ماده معدنی نیز بوده است. قرقیزها سعی کرده‌اند قانونی را در مجلس به تصویب برسانند که در آن منابع آبی، منابع ملی و ثروت یک ملت تلقی شود و حکم کالا برای فروش در بازار را پیدا کند. از استدلال‌هایی که قرقیزها مورد استناد قرار می‌دهند این است که پس از استقلال جمهوری‌ها، هر دولتی حق دارد منابع طبیعی خود را به عنوان ثروت ملی در کنترل بگیرد. منابع طبیعی محصول فعالیت اقتصادی مولد جمهوری‌های بالادست است که هزینه‌های مالی از بودجه کشور را برای انجام اقدام‌هایی در ارتباط با شکل آب (کنترل، نظارت و بازتولید)، اجرای هدف‌های آبی و عرضه آن به دیگر مصرف‌کنندگان صرف می‌کند. ازبکستان با این اقدام قرقیزها، که کنترل کامل منابع آبی را در اختیار می‌گیرد، مخالف است. تاجیکستان نیز سعی کرده است منابع آبی خود را به عنوان کالا تلقی کند تا مشمول تعرفه شود. برآوردها نشان می‌دهد زیان سالانه قرقیزستان حدود ۱۵۴.۹

میلیون دلار بوده است. قرقیزستان با دریافت این پول از کشورهای پایین‌دستی می‌تواند انرژی مورد نیاز خود را بخرد (Mamatkanov, 2008: 11).

حقوق بین‌المللی آب هم در کاهش اختلاف‌ها موثر نبوده است. اگرچه در این حقوق دسترسی به آب حق هر فردی است، اما به حق دسترسی نامحدود به آب اشاره ندارد. قرقیزستان این حقوق را به سبب این که ارزش اقتصادی آب را نادیده می‌گیرد و استفاده‌های زیانبار زیست محیطی و هدررفت آن را نیز مورد توجه قرار نمی‌دهد، ناکام می‌داند (Dinars, 2005: 6-7). قرقیزستان برای این که ازبکستان را به اجرای توافق‌های خود وادار کند، چین را به‌عنوان بازار فروش منابع آبی خود مطرح کرده است. با این حال موافقت‌نامه‌های دوجانبه کشورهای بالادستی و پایین‌دستی، نتوانسته اختلاف‌ها را کاهش دهد. در مذاکراتی که به توافق‌نامه ۱۹۹۸ منجر شد، ازبکستان مخالف حضور تاجیکستان بود، زیرا سیاست آبی آن‌ها را نمی‌پذیرفت و در صدد بود با اعمال فشار موضع تاجیک‌ها را تغییر دهد. ازبکستان سعی کرد این استراتژی را با اعمال محدودیت‌ها بر تاجیکستان، در مورد دسترسی به جاده‌ها و نیز کاهش عرضه گاز اجرا کند. تاجیکستان هم با حمایت روس‌ها تولید انرژی برق-آبی خود را بیشتر کرد، میزان آب ورودی به ازبکستان کمتر شد و تاجیکستان به مذاکرات دعوت شد (Karaev, 2005: 4).

۴- قرقیزستان - قزاقستان

موضوع آب و سهم‌بندی آن نیز اختلاف دو کشور قزاقستان و قرقیزستان نیز هست. البته قزاقستان با چین نیز اختلاف‌های آبی دارد پیچیدگی مشکلات تامین آب قزاقستان با این عامل مشخص می‌شود که نیمی از مخازن ذخیره‌کننده آب این کشور بیرون از مرزهای ملی قرار دارد که به وابستگی قزاقستان به کشورهای همسایه منجر می‌شود. آب‌های زیرزمینی در قزاقستان هم از نظر کیفیت و هم کمیت به‌طور نابرابر توزیع شده‌اند. سهم زمین‌های کشاورزی از قلمرو قزاقستان ۳۳/۷ درصد است. نقض توافق‌نامه‌های آب - انرژی یکی از موارد اختلاف دو کشور است. از آنجا که قزاقستان معدن‌های ذغال‌سنگ خود را به بخش خصوصی سپرده است، دیگر نمی‌تواند کنترلی بر صادرات آن به قرقیزستان داشته باشد. قرقیزها در برابر کاهش وابستگی به قزاقستان، بهره‌برداری از منابع ذغال‌سنگ خود را مورد توجه قرار دادند. این در حالی است که بهره‌برداری از این منابع هم هزینه‌بر است و هم کیفیت مناسبی ندارند (<http://www.cisstat.com/eng/index.htm>).

دو استان قزاقستان جنوبی و قزل اوردا برای تامین آب کشاورزی مجبور به خرید آب و برق از قرقیزستان هستند. در حالی که تولید برق خود قزاقستان ارزانتر است. تمایل قزاقها به افزایش قیمت نفت موجب مخالفت قرقیزها شده است و آنها را واداشته به دنبال بازاری برای فروش انرژی خود باشند. اختلاف دیگر دو کشور پرداخت هزینه های نگه داری تاسیسات آبی است. قزاقها در ۲۰۰۲ پذیرفته بودند حدود صد هزار دلار را برای یک سال نگه داری تاسیسات آبی به قرقیزها بدهند. با این حال قزاقستان سعی کرده اختلافهای خود را با قرقیزستان از راه مذاکره حل کند. به طوری که این کشور حامی اصلی کنسرسیوم انرژی - آب در حوضه سیردریا است. قزاقستان اصرار دارد در صورت سهام شدن در هزینه نگه داری تاسیسات آبی قرقیزها، در مدیریت آنها نیز سهام شود. این کنسرسیوم قرار است هزینه های ساخت نیروگاه های برق آبی قمبرآتای یک و دو را فراهم آورد. این نیروگاه به قرقیزستان اجازه تولید برق در زمستان را می دهد، در عین این که آب سد توکنگل برای کشاورزی ذخیره شود. کنسرسیوم یادشده ۱۴ ماده دارد که در ماده ۹ آن راه حل اصلی اختلاف های اعضا را مذاکره و مشورت می داند و در صورت حل نشدن موضوع، دادگاهی بی طرف برای حل آن موضوع از سوی اعضا تشکیل می شود.

بخشی از تنش های بین قزاقستان و قرقیزستان ناشی از مداخله ازبکستان است که به سبب اختلاف نظر در مورد توافق نامه های مبادله انرژی - آب پدید آمد. این توافق نامه ها زمانی اجرا می شدند که کشورهای پایین دستی نیاز به آب داشتند که این موضوع برای قرقیزها مورد قبول نبود. در چنین شرایطی قرقیزها برای تامین انرژی برق، استفاده از منابع آبی را مورد توجه قرار می دادند. در برابر ازبکستان در ۱۹۹۷ هفتاد درصد جریان آب پایین دستی را قطع کرد که منجر به شورش کشاورزان قزاقستان شد که صد هزار هکتار زمین کشاورزی را تهدید می کرد. قرقیزها با این کار هم با ازبکها مقابله کردند و هم قزاقستان را زیر فشار گذاشتند. خشک سالی ها نیز به عنوان متغیری غیرقابل کنترل در روابط قزاقها و قرقیزها نقش دارد. قرقیزها به دنبال خشک سالی ۲۰۰۸، تولید برق کمی داشتند تا جایی که مجبور به امضای توافق نامه ای با قزاقها برای واردات ۲۵۰ میلیون کیلووات ساعت برق از قزاقستان شدند. یک گام امید بخش در این سال توسط کشورهای حوضه رودخانه سیردریا برداشته شد. اعضا توافق کردند همکاری هایی را برای کاهش آثار کمبود آب و انرژی در ۲۰۰۹ داشته باشند. اعضا توافق کردند حجم آب رها شده از سد توکنگل در تابستان ۵.۲۵ میلیارد مترمکعب باشد. ازبکستان و قزاقستان نیز متعهد شدند انرژی بیشتری در زمستان ۲۰۰۸-۲۰۰۹ به قرقیزستان بدهند و در تابستان ۱/۲۰۰

میلیارد کیلووات ساعت برق از قرقیزستان بخرند. تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان نیز به توافقی‌هایی در مورد استفاده از آب سد نارک و عرضه گاز به تاجیکستان دست یافتند (Juraev, 2009: 4).

۵- اختلاف‌های آبی و نقش بازیگران خارجی

تنش‌های آبی میان کشورهای آسیای مرکزی زمینه را برای مداخله کشورهایمانند روسیه، آمریکا و اروپا را فراهم کرده تا در این فرایند منافع خود را دنبال کنند. اختلاف کشورهای آسیای مرکزی در مورد آب در سال ۲۰۰۸ زمانی که قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان به توافق‌نامه‌ای در مورد آب، نفت و گاز در نبود ازبکستان دست یافتند، به اوج خود رسید. ازبکستان در برابر، خروج خود را از سازمان همکاری اقتصادی اوراسیا اعلام کرد و مرزهایش را بر روی تاجیکستان بست. روسیه در این زمینه بازی دوگانه‌ای را پیش گرفت. آن‌ها هم با حمایت از ازبکستان، نارضایتی تاجیکستان را برانگیختند. روسیه اعلام کرد طرح‌های آبی باید با مشورت کشورهای همسایه اجرا شود. موضع دوگانه روسیه هنگام دیدار قربان‌بیک باقی‌اف رییس جمهور قرقیز از مسکو آشکار شد. روس‌ها متعهد شدند وام یک میلیارد یورویی برای ساخت نیروگاه قمبرآتا در اختیار قرقیزستان قرار دهند. روس‌ها از این راه خود را به عنوان ابزار فشار بر کشورهای پایین‌دستی تحمیل کنند تا زمینه برای بهره‌برداری از منابع معدنی آن‌ها توسط شرکت‌های روسی به‌ویژه گازپروم را فراهم کنند و در همان حال در ساخت تاسیسات آبی کشورهای پایین‌دست نیز شرکت داشته باشند (Francis, 2009: 4).

آمریکا نیز مانند روسیه چندان تمایلی به حل این اختلاف‌ها ندارد تا اهمیت حضور خود را در آسیای مرکزی نشان دهد. خروج ازبکستان از پیمان امنیت جمعی و نزدیکی به آمریکا، روسیه را مصمم کرد تا در مدیریت آب و انرژی منطقه حضور یابد و تهدیدهای ازبکستان را علیه کشورهای پایین‌دستی کمرنگ تر کند. آمریکا در این زمینه بر نقش میانجیگری خود تاکید می‌کند. آمریکا کوشیده از راه بانک جهانی هدف‌های خود را دنبال کند مانند متقاعد کردن بانک جهانی در ندادن وام به تاجیکستان برای ساخت سد راغون. این کشور با توجه به موضوع انتقال تجهیزات مورد نیاز خود در افغانستان از مسیر ازبکستان و روابط نزدیک دو کشور، گمان نمی‌رود از موضع تاجیک‌ها در مورد ساخت سد راغون حمایت کند. آمریکا حدود شش میلیارد و هشتصد میلیون سوم (واحد پول ازبکستان) برای بهبود شبکه آبرسانی ازبکستان اختصاص داد. هدف دیگر آمریکا از طرح میانجیگری‌اش، نزدیک‌تر کردن کشورهای آسیای مرکزی به یکدیگر است. زیرا اتحاد

بیشتر آن‌ها تاثیر سیاسی، نظامی و اقتصادی مسکو را کم‌تر می‌کند (Nichol, 2010: 49). آمریکا موضوع آب را در مقوله کلی انرژی در آسیای مرکزی مطرح و برای انتقال آن طرح کاسارم^۱ را پیشنهاد کرده است. این طرح بخشی از برنامه آن برای کشورهای آسیای مرکزی و آسیای جنوبی با نام «جاده جدید ابریشم» است که در چارچوب آن طرح کاسا-۱۰۰۰^۲ قرار دارد. این طرح باید در سال ۲۰۱۴ به بهره‌برداری برسد که بخشی از طرح ایجاد بازار منطقه‌ای انرژی آسیای مرکزی و آسیای جنوبی یا «کاسارم» است. عملی شدن این طرح امکان می‌دهد هر سال ۱۰۰۰ مگاوات ساعت برق در مرحله اول از تاجیکستان و قرقیزستان به افغانستان و پاکستان منتقل شود. هند مقصد اصلی این انتقال است. ارزش این طرح ۸۷۳ میلیون دلار برآورد شده که خط انتقال برق ۷۵۰ کیلومتری ساخته می‌شود. تاجیکستان بیشترین امید را به این طرح بسته است. روسیه اعلام کرده تنها زمانی از این طرح حمایت می‌کند که منافعش در آن در نظر گرفته شود. آمریکا اصرار دارد در این طرح تاجیکستان کشور ترانزیتی و سه کشور ازبکستان، قزاقستان و قرقیزستان صادرکننده برق باشند و در مخالفت با ساخت نیروگاه راغون، از ازبکستان حمایت می‌کند (http://tajikwater.net/? do= mailbox – id= 472)

اروپا در موضوع آب آسیای مرکزی موضعی میانه داشته، اما در اختلاف تاجیکستان و ازبکستان بیشتر به سوی تاجیکستان متمایل شده است. استیونسون نماینده پارلمان اروپا اقدام ازبکستان ایجاد محدودیت‌های مرزی، به بهانه ساخته شدن سد راغون را غیرقابل دفاع دانست. اروپا استقلال انرژی را حق تاجیکستان دانسته و پیشنهاد کرد برای حل اختلاف‌های موجود کنفرانس بین‌المللی با هدف پیدا کردن راه‌حل مناسب با حضور همه کشورهای ذی نفع برگزار شود. آلمان و نروژ سعی کردند کمک‌های فنی خود را در زمینه سدسازی به تاجیکستان ارایه کنند (Nixon, 2010: 34). چین نیز نقش روزافزونی در مناقشه آب در آسیای مرکزی دارد که شامل هم سرمایه‌گذاری در ساخت سد، انتقال انرژی و هم بازار انرژی می‌شود. مقام‌های چینی جمعیت زیادی را به سین کیانگ انتقال داده‌اند. توسعه کشاورزی اولویت اصلی چین است. این کشور اختلاف‌هایی هم با قزاقستان در مورد رودخانه ایرتیش دارد. چین مذاکراتی را برای خرید آب از قرقیزستان با این کشور آغاز کرده است. دیپلماسی روسیه ایجاد کنسرسیوم آب و انرژی در آسیای

1. (Casarem) Central Asia- South Asia Regional Electricity Market

2. (CASA) Central Asia – South Asia

مرکزی است تا با ایجاد پیوند، همان رویه دوره شوروی را ادامه دهد. روسیه مخالف حضور چین در بازار انرژی-آب این منطقه است (Allouche, 2007: 8). اختلاف‌های آبی بر حضور بازیگرانی که هدفشان سرمایه‌گذاری در آسیای مرکزی است، تاثیر منفی گذاشته است. این موضوع به‌ویژه برای ازبکستان و تاجیکستان مهم است. ازبکستان کمبود آب را با ناممکن بودن سرمایه‌گذاری در کشاورزی برابر می‌داند. اسرائیل برای گسترش کشاورزی ازبکستان بیش از پنجاه میلیون دلار سرمایه‌گذاری کرده است. اوکراین، روسیه سفید، نروژ و چین نیز به سبب ادامه این اختلاف‌ها، طرح‌های آبی خود را در تاجیکستان نیمه‌کاره رها کردند. ایران نیز از سرمایه‌گذاران طرح‌های ساخت سد در تاجیکستان بوده که بیشتر به سبب حضور قدرت‌هایی مانند روسیه موفق نبوده است. نیروگاه سنگ توده-۱ قرار بود توسط ایران ساخته شود که پس از مدتی با اعمال نفوذ روس‌ها از آن کنار گذاشته شد. این نیروگاه در سال ۲۰۱۰ توسط روسیه ساخته شد. ایران ساخت نیروگاه سنگ توده-۲ را بر عهده گرفت. بین ایران و تاجیکستان برای انتقال آب به ایران و واردات نفت ایران به تاجیکستان توافق‌هایی صورت گرفته که مهم‌ترین مانع اجرایی شدن آن، ناامنی در افغانستان است. (<http://asiaplus.tj/en/news/31/6685.html>). به‌نظر می‌رسد این بازیگران نقش پایین‌تری را در بازی آب در آسیای مرکزی داشته باشند که تابع تحولات در نگرش قدرت‌های برتر مانند روسیه و آمریکا است.

نتیجه‌گیری

فروپاشی اتحاد شوروی و استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی سبب بروز چالش‌های امنیتی جدیدی در این منطقه شده است. تبدیل مرزهای اداری به ملی، موضوع کنترل منابع آبی یا کاربرد آن به‌عنوان ابزار سیاسی را بین جمهوری‌های آسیای مرکزی ایجاد کرد. این تحول، امنیت را به مهم‌ترین عنصر پایدار در روابط بین جمهوری‌های آسیای مرکزی تبدیل کرد. در نخستین سال‌های استقلال مهم‌ترین تهدید امنیتی، مرزها و قومیت‌ها بود که حتی موجودیت این جمهوری‌ها را به‌خطر می‌انداخت. تهدید قومیت‌ها، مرزها و افراط‌گرایی اسلامی را می‌توان با قدرت دولتی سرکوب کرد، اما مدیریت منابع آبی را نمی‌توان تنها با قدرت دولت پیش برد. جمهوری‌های منطقه توافق دارند که تهدیدهای مشترک را باید سرکوب کرد، اما ادامه بحران آب، رقابت و تنش علیه یکدیگر را معنی می‌دهد و اجماع در مورد آن دور از انتظار به نظر می‌رسد. وابستگی مشترک به آب نیز موضوع تنش‌های آبی را پایداری بخشیده است.

به نظر می‌رسد تنش‌های آبی همچنان به‌عنوان متغیری نامطلوب در روابط جمهوری‌های آسیای مرکزی ادامه یابد. این جمهوری‌ها تا به‌حال در برگزاری نشست‌هایی که بتواند دست‌کم در کوتاه‌مدت، این اختلاف‌ها را کم کند، موفق نبوده‌اند. ادامه شیوه مدیریت آبی دوره شوروی نیز مورد پذیرش کشورهای بالادستی نیست، اگر چه پس از فروپاشی اتحاد شوروی ترتیبات قبلی در چارچوب توافق‌های سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۸ ادامه یافت. در توافق‌نامه‌های مورد اشاره چیزی که قرار نبود، در عمل اجرا می‌شد که نادیده گرفتن تغییرهای اقلیمی و آبی یکی از عوامل آن بود. کشورهای پایین‌دستی در سال‌های کم‌آب هم انتظار دریافت همان میزان آبی را داشتند که در سال‌های پرآب دریافت می‌کردند. وقتی این کشورها سال‌های پرآب را سپری می‌کردند که نیازی به واردات آب نبود، تعهدهای خود را نقض می‌کردند. عامل دیگری که اختلاف‌های آبی جمهوری‌ها را پایدار می‌سازد، تلقی آب به‌عنوان یک کالای مشمول تعرفه و هزینه است که مخالفت کشورهای پایین‌دستی را به‌دنبال داشته است. به‌نظر می‌رسد در کشورهای منطقه از آب به‌عنوان ابزار معامله که در آن سود یکی در گرو زیان دیگری است، مانع رسیدن به توافق در مورد آب است. عنصری که تنش‌های آبی را در بین کشورهای آسیای مرکزی پایدار می‌کند، خارج‌شدن کنترل موضوع از دست کشورهای منطقه است. در این شرایط بازیگران خارجی با در نظر گرفتن منافع خود، جانب یک طرف را گرفته و حل مشکل دشوار می‌شود، زیرا ادامه این شرایط منافع آن‌ها را تامین می‌کند. تنش میان ازبک‌ها و تاجیک‌ها بر سر ساخت سد راغون نمونه این وضعیت است. تأثیرگذاری نهادهای بین‌المللی در این تنش‌ها اندک است. توجه به منافع ملی، کشاورزی و تولید برق-آبی، بی‌اعتمادی عمومی ایجاد کرده است. پیامدهای منفی اختلاف‌های آبی در داخل جمهوری‌ها، از جمله افزایش بیکاری و اجرانشدن طرح‌های آبی، دولت‌های منطقه را از درون تهدید می‌کند. این تهدیدها در روابط بین جمهوری‌ها آثار منفی داشته و تنش‌های آبی را تداوم می‌بخشد. آب همچنان متغیر مداخله‌گری در ایجاد روابط تنش‌زا در میان جمهوری‌ها مانده است.



مساله آب و روابط
کشورهای آسیای
مرکزی

منابع فارسی

کتاب‌ها:

- بارتولد، و. و. (۱۳۵۰)، آبیاری در ترکستان، کریم کشاورز، تهران: انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- بیلیس، جان، استیو اسمیت (۱۳۸۸)، سیاست در عصر جهانی شدن، جلد دوم، تهران: ابرار معاصر.
- سارلی، اراز محمد (۱۳۶۴)، ترکستان در تاریخ: نگرشی بر ترکستان در نیمه دوم قرن ۱۹، تهران: امیرکبیر.
- کولایی، الهه (۱۳۹۲)، زمینه‌های اقتصادی فروپاشی اتحاد شوروی، تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۹۱)، سیاست و حکومت در اوراسیای مرکزی، چاپ سوم، تهران: سمت.

- _____ (۱۳۷۸)، سیاست و حکومت در آسیای مرکزی، تهران، انتشارات سمت.

منابع لاتین

کتاب‌ها:

- Dukhovny, Viktor (2011), **Water in Central Asia: Past, Present, Future**, Taylor and Francis Group, CRC Press
- Glantz, Michael, Kosarev (2009), **The Aral Sea Encyclopedia**, Springer-Verlag Berlin Heidelberg

مقالات:

- Allouch, Jeremy (2007), "The Governance of Central Asian Waters: National Interest Versus Regional Cooperation", <http://www.ids.ac.uk/publication/>. (Accessed on: 16 Ap.2013)
- Ashouri, Mandana (2008), "Arvand River", [http://www.ce.utexas.edu/prof/mckinney/ce397/Topics/Arvand/Arvand\(2008\).pdf](http://www.ce.utexas.edu/prof/mckinney/ce397/Topics/Arvand/Arvand(2008).pdf)
- Baizakova, Zhulduz (2010), "Turkmenistan' s Golden Age Lake: a Potential Environmental Disaster", fmso.leavenworth.army.mil/.../Turkmenistan/Golden-Age.pdf
- Bedford (1998), "International Water Management in the Aral Sea Basin", **Routledge Taylor and Francis Group**, Vol. 21, No. 2 pp. 63- 69
- Dinars, S. (2005), "Treaty Principles and Patterns: Selected International Water Agreements as Lessons for the Resolution of the Syrdarya and Amudarya Water Disputes" in: **Trans boundary Water Resources:**



Strategy for Regional Security and Ecological Stability, Springer Netherlands, pp.147-168

- Eligur, Banu (2006), "Are Former Enemies becoming Allies? Turkey's Changing Relations with Syria, Iran and Israel since the 2003 Iraq War", <http://www.brandeis.edu/crown/publications/meb/MEB9.pdf>
- Francois, Renaud (2009), "Central Asia: the Battle over Water", **European Strategic Intelligence and Security Center**, <http://www.esisc.org/publications/analyses/central-asia-the-battle-over-water> (Accessed on: 11/Au/2013)
- Gleick, P.H (1998), "Water and Conflict", in: **The World's Water 1998-1999**, Island Press, Washington, D.C, pp. 105-135
- Grinwis, Mona, Eshchanov (2011), "Rogun Dam – Path to Energy Independent or Security Threat?" **Sustainability Journal**, Vol. 3. No. 9, pp. 1-20
- Hardin, Garrete (1968), "The Tragedy of the Commons", **Science**, Vol.162, No.3859, pp. 1243-1248.
- Jorde, Klaus(2009), "Country Chapter Republic of Tajikistan, Renewable Energies in Central Asia " ,<http://www.giz.de/themen/de/dokumente/gtz-2009-en-regional-report>.
- (Accessed on: 19 Feb.2013) Also see: -Peyrouse, Sebastian (2007), "The Hydro Electric Sector in Central Asia and the Growing Role of China", **China and Eurasia Forum Quarterly**, Vol.5, No. 2, pp.20-34
- Juraev, Shairbek (2009), "Energy Emergency in Kyrgyzstan: Causes and Consequences" **EUCAM, EU-Central Asia Monitoring** <http://www.ceps.eu/node/1621>. pp. 1-6.(Accessed on: 2 Ap.2013).
- Karaev, Zainiddin(2005), "Water Diplomacy in Central Asia", **Middle East Review of International Affairs**, Vol. 1, No. 1, pp.1-12
- Klötzli, Stefan (1997), "The Aral Sea Syndrome and Regional Cooperation in Central Asia: Opportunity or Obstacle?" in "Water Conflict and Cooperation Bibliography ", **Gleditsch Nils Peter**, Vol. 33, pp. 417-434.
- Makhmedov, Yusuf, Avarov (2011), "Water and Energy Disputes between Tajikistan and Uzbekistan and their Negative Influence on Regional Cooperation", <http://www.nupi.no/content/download/284223>. (Accessed on: 1 June 2013)
- Mamackanov, Dushen (2008), "Mechanism for Improvement of Trans boundary Water Resources Management in Central Asia" in: **Trans boundary Water Resources a Foundation for Regional Stability in Central Asia**, Springer Link.com. pp. 141-152.
- Nichol, Jim (2010), "A Central Asia's Security: Issues and Implications for U.S Interests. <http://fpc.state.gov/documents/organization/86258.pdf> .(Accessed on: 3 June 2013)
- Nixon, Robert, Jimenez (2010) "Water Crisis in Central Asia: Key Challenges and Opportunity", <http://milanoschool.org/wp-content/uploads/2012/10/water-crisis-in-central-asia-key-challenges-and-opportunity.doc>. (Accessed on: 10 Dec.2012).



مساله آب و روابط
کشورهای آسیای
مرکزی



فصلنامه علمی پژوهشی
سیاست جهانی،
دوره دوم، شماره سوم،
پاییز ۱۳۹۲

- O'hara, Sara, Abbink (2010), "An Experimental Case Study of Central Asia", *Environmental and Resource Economics*, www. Springer link.com, pp. 285-318(Accessed on: 5 Dec.2012)
- Perelet, Renat (2010),"Climate Change and Water Security: Implications for Central Asia", **China and Eurasia Forum Quarterly**, Vol. 8, No.2, pp. 173-183.
- Rosario, Cruz (2009), "Risky Riparianism: Cooperative Water Governance in Central Asia", **Routledge , Taylor and Francis Group**, Vol. 63, No. 3, pp. 404-415.
- Sievers, Eric (2002), "Water, Conflict and Regional Security in Central Asia" *Environmental Law Journal*, Vol. 10, <http://hzo.ablkomplet.cz/wp-content/uploads/2010pdf>. (Accessed on: 25 Mar.2013).
- Smith, D.R (1995), "Environmental Security and Shared Water Resources in Post – Soviet Central Asia" **Post Soviet Geography**, Vol. 36, No. 6, pp. 351-370.
- Spoor, Max (2003). "The Power of Water in Divided Central Asia", **Perspective on Global Development and Technology**, Vol. 2, No. 4, pp. 593-614.
- Swan Storm, Niklas (2010), "Traditional and Non –Traditional Security Threats in Central Asia: Connecting the New and the Old", **China and Eurasia Forum Quarterly**, Vol. 8, No. 2, pp. 35 -51.
- Valentini, K.L, Orolbaev (2004)," Water problems of Central Asia", **International Strategic Research Institute**, Under the President of the Kyrgyz Republic.[http:// library.fes.de/pdf-files/bueros/zentralasien/50116.pdf](http://library.fes.de/pdf-files/bueros/zentralasien/50116.pdf), (Accessed on: 20 Mar. 2013)
- Votrin, Valery (2003), "Trans boundary water Disputes in central Asia: Using Indicators of Water Conflict in Identifying Water Conflict Potential", [http://www.transboundarywaters .orst.edu/publications/abst_docs/related_research/votrin/votrin_thesis.html](http://www.transboundarywaters.orst.edu/publications/abst_docs/related_research/votrin/votrin_thesis.html).
- Wegerich, Kai (2011). "Water Resources in Central Asia: Regional Stability or Patchy Make– up?" **Central Asia Survey**, Vol. 30, No. 2, pp. 275-290.

سایتها

- <http://www.cawater-info.net/aral/water-e.htm>(accessed on: 14 June 2013)
- <http://www.cisstat.com/eng/index.htm>(accessed on: 25 July 2013).
- [http://www.dundee.ac.uk/iwlri/documents/treaties/basin%20 specific %20 Bilateral %20 central Asia/water agreement.pdf](http://www.dundee.ac.uk/iwlri/documents/treaties/basin%20specific%20Bilateral%20central%20Asia/water%20agreement.pdf) (Accessed on: 28 July 2013)
- <http://www.economist.com/node/21563764>(Accessed on: 23 June 2013)
- [www.fao.org/nr/water/aqastat/countries/Turkmanistan index stm](http://www.fao.org/nr/water/aqastat/countries/Turkmanistan_index_stm) (Accessed on: 11 Ap.2013)

- <http://gwg.org/en/CACENA/news/march-2010>(Accessed on: 5 Mar. 2013)
- <http://www.hydrologie.org/ara/golden-age-lake.pdf> (Accessed on:9 Ap. 2013)
- www.iusf.org/departments/environment/articles/eav060600shtml.2000/4/6 (Accessed on: 17 Ap.2013)
- <http://tajikwater.net/?do=emailbox&id=472>(Accessed on: 1 Sep. 2012)
- <http://asiaplus.tj/en/news/31/6685.html>. (Accessed on: 1Aug. 2013).
- <http://www.worldwater.org/chronology.html> (Accessed on: 8 Aug. 2013).
- www.iusf.org.tr/arkakapi/cache/dokfildokuman7.pdf.Sstanbul International Water Forum (2011). (Accessed on: 14 May 2013)
- <http://www.eurasianet.org/node/67828> (accessed on: 3 Des. 2013)
- <http://tajik.irib.ir/persian/news/item/29992> (accessed on: 12 Sep. 2013)
- <http://www.indexmundi.com/tajikistan/exports.html> (accessed on: 12 Sep. 2013).



مساله آب و روابط
کشورهای آسیای
مرکزی

